

٩٦

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

## به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

نصرت و یاری خدا

با

معرفی شخصیت اولیاً خدا

۱۳۸۸ آذر ۱۱  
۱۴۳۰ ذی الحجه ۱۱

تکشیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

«الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآلته الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين».

در ایامی که متعلق به ولادت یک امام معصوم علیهم السلام میباشد، مناسب است تا در مورد شخصیت آن نور الهی سخنانی را مطرح نماییم. با توجه به مناسبت‌های پیش رو که یکی ولادت با سعادت حضرت امام هادی علیهم السلام و دیگری عید بزرگ غدیر است، مباحث را به گونه‌ای که حق هر دو مناسبت به خوبی اداء شود، مطرح مینماییم.

بهترین راه برای آشنایی بیشتر با اهل بیت علیهم السلام رجوع به سخنان خداوند متعال و فرمایشات خود ایشان علیهم السلام میباشد. یکی از احادیث قدسی که به تشریح خصوصیات اهل بیت علیهم السلام میبردازد حدیث معروف لوح میباشد. خداوند متعال در این حدیث، حضرت امام هادی علیهم السلام را این گونه معرفی مینماید:

«وأَخْتَمُ بِالسَّعَادَةِ لِابْنِهِ عَلَىٰ وَلِيٰ وَنَاصِرِي وَ الشَّاهِدِ فِي خَلْقِي وَأَمِينِي عَلَىٰ وَحْيِي»<sup>(۱)</sup>.

۱. کافی، جلد ۱ صفحه ۵۲۸، بحار الأنوار، جلد ۳۶ صفحه ۱۹۷.

و فرزند او علی [الهادی علیہ السلام] را سعادتمند می نمایم، که دوستدار،  
یاری کننده و گواه خلق من و امانت دار وحی من است.

در این فاز پنج ویژگی برای امام هادی علیہ السلام ذکر گردیده که این پنج صفت از صفات مشترک بین ائمه باشند محسوب می شوند. تمام اهل بیت علیہ السلام ولی، ناصر، امین و ... شمرده می شوند، اما بعضی از اهل بیت علیہ السلام به دلایل خاصی، در ذکر این صفات تخصیص می یابند. مثلاً صفت «ناصری» فقط به حضرت امام رضا علیہ السلام و حضرت امام هادی علیہ السلام منسوب گردیده است. همان گونه که صفت «الشاهد علی خلقی» تنها برای حضرت امام هادی علیہ السلام ذکر گردیده است.

اما پرسشی که به ذهن خطور می کند این است که چرا خداوند متعال ویژگی «ناصری» را به حضرت امام رضا علیہ السلام و حضرت امام هادی علیہ السلام نسبت داده است؟ برای پاسخ دادن به این سؤال، ابتدا مقدمه ای در شرایط دوران زندگی حضرت امام هادی علیہ السلام بیان می کنیم.

### نصرت و یاری در آیات و روایات

برای تبیین معنای «نصرت خداوند» لازم است نگاهی به استعمال و کاربرد آن در متون دینی داشته باشیم تا چگونگی یاری کردن خداوند روشن شود. علاوه بر این که روایات فراوانی به موضوع نصرت و یاری پرداخته اند، قرآن کریم نیز در موارد متعدد به این مسئله اشاره کرده است که از مجموع آنها می توان به این نتیجه رسید که، نصرت و یاری خداوند متعال به طور یقین قابل تحقق است.

اکنون برای نمونه به سه آیه از آیات کریمه قرآن اشاره می‌کنیم:

۱. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرُكُمْ وَيُثْبِتُ﴾

﴿أَقْدَامَكُمْ﴾<sup>(۱)</sup>.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر (آئین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گامها یتان را استوار می‌دارد.

۲. ﴿وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوْيٌ عَزِيزٌ﴾<sup>(۲)</sup>.

و خداوند کسانی را که یاری کنند (واز آئینش دفاع کنند) یاری می‌کند. خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است.

۳. ﴿فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمُ الْكُفَّارَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ

﴿الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَا بِاللَّهِ وَاشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾<sup>(۳)</sup>.

هنگامی که عیسی از آنان احساس کفر (مخالفت) کرد گفت: کیست که یاور من به سوی خدا گردد؟ حواریان گفتند: ما یاوران خداییم، به خدا ایمان آورده‌ایم، و تو نیز گواه باش که ما اسلام آورده‌ایم. در اینجا شباهی در اذهان پدیدار می‌شود که: نصرت و یاری دیگران، برای شخصی ضروری است که در زندگی خود دچار کمبود و نقصان می‌باشد. خداوندی که غنی بالذات، قادر مطلق و فعال مایشاء است، چگونه به یاری و نصرت دیگران چشم دوخته است؟

۱. سوره محمد، آیه ۷.

۲. سوره حج، آیه ۴۰.

۳. سوره آل عمران، آیه ۵۲.

در پاسخ به این شبهه خواهیم گفت: دعوت به نصرت خداوند متعال در این آیات و روایات، به صورت مطلق ذکر گردیده است؛ یعنی اشخاص (در هر پست و مقامی) به هر طریقی که می‌توانند باید به نصرت و یاری دین مبین اسلام بشتابند. پس نصرت و یاری دین خداوند متعال منحصر به مجاہدت (اسلحه در دست گرفتن و فدا کردن جان) نمی‌باشد، بلکه نگهبانی و صیانت از دین و اعتقادات راستین اسلام، در تمامی صحنه‌ها و میدان‌های زندگی، نیز نصرت و یاری دین خداوند است.

## حضرت امام هادی علیہ السلام و مبارزه با مکاتب انحرافی

با مطالعه در تاریخ زندگی اهل بیت علیهم السلام به این نکته پی می بریم که دوران زندگی حضرت امام هادی علیه السلام در مقایسه با ائمه قبل از دیگر یکی از سخت ترین دوران ها بود.

به همین علت اقدامات و مبارزات امام علیه جنبه نصرت دین خداوند متعال را پیدا کرده بود. میان این مکاتب انحرافی، می‌توان به چهار مکتب عمده اشاره نمود:

۱. مكتب جبریه: طبق عقیده این گروه، اجبار بر تمام عالم خلقت حاکم می‌باشد و هیچ کس هیچ‌گونه اختیاری از خود ندارد. به عبارت دیگر اعمال خوب و بد، خیر و شر، گناه و ثواب و هر عنوانی که به ذهن خطور کند، از ناحیه خداوند متعال می‌باشد<sup>(۱)</sup>.

٨٦ . الملل والنحل، جلد ١ صفحة

۲. مکتب مفوّضه: در مقابل مکتب جبریه، مکتب مفوّضه شروع به فعالیّت کرد. پایه اصلی این مکتب آن است که انسان، قادر مطلق می‌باشد و خداوند متعال هرگز در وقوع یا عدم وقوع افعال دخالت نمی‌کند و خداوند متعال بعد از آفرینش انسان، کار خود را تعطیل نموده و افعال را به انسان واگذار نموده است. به نحوی که گویا هیچ دخل و تصریفی در امور ندارد<sup>(۱)</sup>.

**۳. مکتب مجسمه:** طبق عقیده این مکتب، خداوند متعال همانند دیگر موجودات، از اجسام محسوب شده و دارای اعضاء و جوارح می‌باشد. پس می‌توان گفت: رؤیت خداوند متعال، ممکن، می‌باشد<sup>(۲)</sup>.

۴. مکتب حلول و تناسخ: «حلول»<sup>(۳)</sup> به این معناست که خداوند متعال در همه موجودات حلول کرده است؛ یعنی العیاذ بالله خداوند متعال حتی در موجودات نجس العین (انجس المخلوقات) مانند کلب و خوک حلول کرده است. «تناسخ»<sup>(۴)</sup> نیز به این مفهوم است که اگر جسمی در دل خاک نهاده شد و روح از آن جدا گشت هرگز این روح دچار سرگردانی نخواهد شد، بلکه بر جسم دیگری وارد می‌شود.<sup>(۵)</sup>

٤٠١ . الالهات، صفحة

٢. الملل والنحل، جلد ١ صفحة ١٠٣.

٣. الملل والنحل، جلد ١ صفحة ١٥٦.

٤. المثل والنحل، جلد ١ صفحة ٢٣٢

۵. با طلب توفیق از خداوند متعال در نظر داریم در ادامه مباحث سیری در آیات ولایت و امامت، طرز تفکر و مبنای اعتقادی اهل سنت در باب توحید را مطرح نموده و مورد بحث و بررسی قرار دهیم. آنچه ما را در این امر مصمم می نماید این است که بدایم خداوندی که اهل سنت به مردم و جامعه مسلمانان معروفی می کنند چگونه خدایی است.

این تفکر و همچنین تفکرات قبلی، همگی به نام اسلام و قرآن مظلوم مطرح می‌گردید و متاسفانه هیچ گونه حرکتی در راستای زدودن این شباهات و انحرافات انجام نمی‌شد. این مکتب مبتنی بر فلسفه‌ای بود که در زمان هارون الرشید و مأمون از سوی یونان وارد جامعه مسلمین گردید. مدعیان فلسفه (از میان اهل سنت و حتی شیعیان) باعث گسترش این تفکر شدند، به طوری که این عقیده هنوز هم طرفدارانی در میان جامعه مسلمانان دارد.

طرفداران این مکاتب و عقاید انحرافی به مخالفت واضح و آشکار با حضرت امام هادی علیه السلام پرداختند. آن‌ها ابوهریره، عمرو عاص، ابودرداء، مغيرة بن شعبة و ... را از افراد ثقه و مورد اعتماد می‌دانستند و دین خدا و رسول‌اش ﷺ را از آنها اخذ می‌نمودند، در حالی‌که در مقابل، اهل بیت علیهم السلام - را که ذریّه رسول خدا علیهم السلام محسوب می‌شدند - ثقه و عادل نمی‌دانستند.

از نمونه انحرافات می‌توان به این مورد اشاره کرد: در دوران بنی العباس، شافعی مأمور شد کتابی در باب حدیث بنگارد. او کتاب را -که اکنون به «ام شافعی» معروف است - نگاشت و ارتباط نزدیکی با هارون الرشید داشت.<sup>(۱)</sup>

البته حضرت امام هادی علیہ السلام علاوه بر مقابله با این تفکرات انحرافی، دچار دشمنان و جاسوسانی بودند که هر روز و شب نزد خلفا و سلاطین رفته و اخبار و اطلاعات شخصی آن حضرت علیہ السلام را به آنان می‌رسانندند. در پی رفت و آمد مکرر جاسوسان، متوکل دستور داد که حضرت امام هادی علیہ السلام را از مدینه، با جبر و زور

١. مقدمة كتاب الأم، جلد ١

به مرکز خلافت (سامرا) آورده و ایشان را در پادگانی زندانی نمایند. از این رو لقب «عسکری» ابتدا به حضرت امام هادی علیه السلام و سپس به حضرت امام حسن عسکری علیه السلام اطلاق شد.

### ظلم و جنایت بی شمار خلفا

اتفاقاتی که شرح آن گذشت همراه با شرایط و اوضاع نابسامان دوران خلفای بنی العباس، باعث شد وظائف سنگینی بر دوش امام هادی علیه السلام نهاده شود. خلفایی همچون ابوالعباس سفّاح، منصور، هادی، مهدی، هارون، مأمون، معتصم، و متولّ، با اینکه در فاصله کوتاهی زمام امور را به عهده گرفتند، اما آن قدر مرتکب ظلم و جنایات شدند که مردم برای فرار از عدل ادعایی بنی العباس ظلم و بیداد بنی امية را آرزو می‌نمودند<sup>(۱)</sup>.

ظلم و جنایاتی که خلفای بنی العباس مرتکب شدند در نوع خود بی نظیر بود. برای مثال، منصور شخصی بود که دستانش تا مژفّق به خون فرزندان و ذریّه رسول خدا ﷺ آغشته بود. او بود که مقدمات قتل حضرت امام صادق علیه السلام را فراهم آورد و موجب مسمومیّت و شهادت ایشان علیه السلام گردید. جنایات هادی عباسی نیز بسیار درد آور بود که از آن میان می‌توان به واقعه فتح اشاره نمود. در این واقعه که در حوالی مدینه اتفاق افتاد، هادی عباسی تعداد زیادی از سادات

۱. عباسیان با شعار «الرضا من آل محمد» حکومت امویان را برچیدند و به جای آنکه حکومت را به اهل بیت علیه السلام بسپارند آن را غصب کردند. (الکامل، جلد ۵ صفحه ۳۶۰ و حیاة الإمام الرضا علیه السلام، صفحه ۴۶۰)

بنی الحسن علیهم السلام را به وضع دردناکی به شهادت رساند. از دیگر نیت‌های پلیدی که هادی عباسی در ذهن داشت می‌توان به قتل حضرت امام کاظم علیه السلام و نبش قبر حضرت امام صادق علیه السلام اشاره نمود.

با در دست گرفتن زمام امور توسط هارون این اعمال زشت و ضد انسانی به اوچ خود رسید. او بنای شهر بغداد را بر استخوان‌های اجساد فرزندان و ذریهٔ رسول خدا ﷺ بنا نمود. وی همچنین حمید بن قحطبه را مأمور کرد که در یک شب حدود شصت نفر از ذریهٔ رسول خدا ﷺ را که مددّتها در زندان به سر می‌بردند، گردن زده و به دار بیاویزد. هارون بعد از جدا کردن سر از بدن‌ها، بالا فاصله بدن‌ها را درون چاه پنهان می‌نمود<sup>(۱)</sup>. از دیگر فجایع و جنایات هارون، به شهادت رساندن حضرت امام کاظم علیه السلام است.

بعد از هارون، حکومت به مأمون رسید. او در کارنامه سیاه خود، قتل حضرت امام رضا علیهم السلام را به ثبت رسانید<sup>(۲)</sup>، اما در عمل -که به حساب خودش زیرکانه بود- اولین کسی بود که مجلس ختم برگزار نمود و با اشکهای تماسح گونه خود همراه با آه و ناله فریاد می‌زد: چه کسی حضرت امام رضا علیهم السلام را به قتل رسانیده است؟ بعد از او نیز معتصم زمام امور را به دست گرفت که مهمترین جنایت او قتل حضرت امام جواد علیه السلام است.

متوکل که بعد از معتصم روی کار آمد، به دلیل جنایات بی‌شماری که انجام داد یکی از سخت‌ترین و دردناکترین دوران را برای حضرت امام هادی علی‌الله‌رقم زد.

١. بحار الأنوار، جلد ٤٨ صفحة ٣٢٢

٢. متهي الأمال، صفحة ٩١٣.

برای نمونه، به دستور وی، مرقد و بارگاه حضرت سیدالشهداء علیهم السلام را ویران کردند و آنجا را جهت کشاورزی شخم زدند<sup>(۱)</sup>. اما در این میان آن جنایتی که بیشتر از همه دل انسان را به درد می‌آورد مجلسی بود که نزد متولی برپاشده بود و در آن عده‌ای دلچک و بازیگر - به این بهانه که اعمال آنها خلیفه را مسروط می‌کند - خود را به شکل حضرت امیرالمؤمنین علیهم السلام و حضرت زهرا علیهم السلام در آورده و به استیضاء و استهزاء آن بزرگواران علیهم السلام می‌پرداختند. همچنین بارها اتفاق می‌افتد که عوامل و سربازان متولی شبانه به منزل حضرت امام هادی علیهم السلام هجوم می‌برند و به تفتیش آن جا می‌پرداختند. اما سرانجام متولی برای این که امام علیهم السلام را بیشتر تحت فشار قرار دهد، ایشان را به سامراً تبعید نمود و در میان لشکریان خود تحت نظر قرار داد<sup>(۲)</sup>.

### اقدامات سازنده حضرت امام هادی علیهم السلام

چنانچه گذشت دشمنان اهل بیت علیهم السلام خشم و کینه خود را به هر صورتی آشکار می‌کردند و در این راستا از انجام هیچ عملی دریغ نمی‌کردند. البته آنچه از دشمن انتظار می‌رود دشمنی است؛ اما زمانی کار بر حضرت امام هادی علیهم السلام سخت شد که برخی از شیعیان، در امامت ایشان علیهم السلام دچار شک و تردید شدند، اما در مقابل عده‌ای، ایشان علیهم السلام را تا سر حد الوهیّت بالا برند و به اصطلاح قائل

۱. متنه‌ی الآمال، صفحه ۱۰۰۵.

۲. متنه‌ی الآمال، صفحه ۹۹۹.

به «غلو» شدند. بعضی دیگر نیز با مطرح نمودن مسلک تصوّف به صفوف شیعیان وارد شدند. در این میان مكتب واقفیه نیز هنوز به فعالیت رو به رشد خود ادامه می‌داد<sup>(۱)</sup>.

با دقّت در اوضاع و احوال آن روزگار - که از سوی شیعیان و دشمنان آن‌ها پدید آمده بود - به مسئولیّت مهم و سخت حضرت امام هادی علیه السلام رهنمون می‌شویم. ایشان علیه السلام به عنوان امین وحی الهی و حاکم دین مبین اسلام، مسئولیّت صیانت و نگهبانی از دینی را به عهده داشتند که با تحمل سختی‌های فراوان و مشکلات طاقت فرسا به زمان ایشان علیه السلام رسیده بود. با توجه به این

اوضاع حساس، حضرت امام هادی علیه السلام توان خویش را در راه خنثی سازی اقدامات دشمنان و شیعه نماها به کار بستند و برای رسیدن به این هدف، شروع به فعالیت‌های علمی و اعتقادی نمودند. ایشان علاوه بر روایات فراوانی که در باب فقه و دیگر ابواب و نیز رساله علمی‌های که در باب جبر و تفویض از خود برجای گذاشته‌اند، دو اقدام مؤثر در جامعه مسلمین نیز اجرا نمودند که به عنوان میراث گران‌بها در میان مسلمانان نگهداری می‌شود:

۱. انشای زیارت جامعه کبیره، که دوره‌ای کامل از معارف خالص شیعه را در بردارد. به همین دلیل علمای گذشته به خواندن این زیارت، اهتمام فراوان نشان می‌دادند<sup>(۲)</sup>.

۱. برای اطلاع بیشتر از فرقه واقفیه بنگرید به جزوء ۹۴.

۲. در حالات شیخ انصاری علیه السلام آمده است که ایشان روزی یک مرتبه این زیارت را تلاوت

۲. بیان زیارت غدیریه<sup>(۱)</sup>. در این زیارت حضرت امام هادی علیهم السلام با شمردن صفات و ویژگی‌های جذشان حضرت امیرالمؤمنین علیهم السلام، از اساسی‌ترین اصل دین یعنی اصل امامت دفاع می‌نمایند<sup>(۲)</sup>. حضرت امام هادی علیهم السلام در این زیارت به گوشاهی از موارد اختلافی میان اهل سنت و شیعه اشاره می‌کنند و با استناد به آیات قرآن کریم، حق را آشکار می‌کنند. در ادامه به نقل فرازهایی از این زیارت نورانی می‌پردازیم.

### فرازهایی از زیارت غدیریه

به دلیل طولانی بودن زیارت شریف غدیریه به ذکر قسمت‌هایی از روایت اکتفاء می‌کنیم.

#### ۱. مبارزه با هوای نفس.

حضرت امام هادی علیهم السلام در ابتدا به نکته‌ای طریف اشاره می‌نمایند. ایشان علیهم السلام می‌فرمایند: مسلمانان، امیرالمؤمنین علیهم السلام را با مجاهدت‌ها و دلاوری‌هایشان در

---

→ می‌کردند. با دقت و تأمل از حالات این مرد بزرگ و عالم وارسته و همچنین دیگر علماء می‌توان آموخت که برای رسیدن به مقامات علمی و معنوی حتماً باید از اهل بیت علیهم السلام مدد بجوئیم.

۱. سفارش بندۀ به افرادی که به نجف و عتبات عالیات مشرف می‌شوند این است که از تلاوت این زیارت شریف دریغ نکنند.

۲. در گذشته نیز بر این نکته تأکید نمودیم که امامت از اصول دین است و آنچه در مدارس به صورت غلط فاحش تدریس می‌شود - که امامت را از اصول مذهب معرفی می‌کند - هرگز پسندیده نمی‌باشد.

جنگ‌ها می‌شناسند، اما اگر مجاهدت‌های حضرت امیرالمؤمنین علیهم السلام را به عنوان جهاد اصغر محسوب کنیم، ایشان علیهم السلام در جهاد اکبر (مبارزه با هوای نفس و مبارزه با شیطان) نیز از همگان کوی سبقت را ربوده‌اند.

«...وَأَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَنْزِلْ لِلْهُوِيْ مُخَالِفًا وَلِلْتَّقِيْ مُحَاخِلًا وَعَلَى كَظِيمِ الْغَيْظِ  
قَادِرًا وَعَنِ النَّاسِ عَافِيًّا غَافِرًا وَإِذَا عَصَيَ اللَّهَ سَاخِطًا وَإِذَا أَطَيَ اللَّهَ  
رَاضِيًّا وَبِمَا عَهِدَ إِلَيْكَ عَامِلًا رَاعِيًّا لِمَا اسْتَحْفَظْتَ حَافِظًا لِمَا اسْتُودِعْتَ  
مُبَلَّغاً مَا حُمِّلْتَ مُنْتَظِرًا مَا وُعِدْتَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَا اتَّقَيْتَ ضَارِعًا  
وَلَا أَسْكَنْتَ عَنْ حَقِّكَ جَازِعًا وَلَا أَحْجَمْتَ عَنْ مُجَاهَدَةِ غَاصِبِيكَ نَاكِلاً  
وَلَا أَظْهَرْتَ الرِّضِيَ بِخِلَافِ مَا يُرِضِي اللَّهُ مُدَاهِنًا وَلَا وَهَنْتَ لِمَا  
أَصَابَكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا ضَعَفْتَ وَلَا اسْتَكْنَتَ عَنْ طَلَبِ حَقِّكَ مُرَاقِبًا  
مَعَادَ اللَّهِ أَنْ تَكُونَ كَذِيلَكَ بِلْ إِذْ ظُلِمْتَ احْتَسَبْتَ رَبَّكَ وَفَوَضْتَ إِلَيْهِ  
أَمْرَكَ وَذَكَرْتَهُمْ فَمَا ادَّكَرُوا وَوَعَظْتُهُمْ فَمَا اتَّعَظُوا وَحَوَقَتْهُمُ اللَّهُ فَمَا  
تَخَوَّفُوا...»<sup>(۱)</sup>.

و گواهی می‌دهم که براستی تو پیوسته با هوای نفس مخالفت کردی، و ملازم پرهیزکاری بودی، و بر فرونشاندن خشم خویش توانا بودی، و از رفتار جاھله‌نه مردم در می‌گذشتی، و هنگامی که خدا معصیت می‌شد خشمناک می‌شدی، و چون اطاعت او می‌شد خوشنود می‌گشتی، و بدانچه خدا با تو پیمان بسته بود عمل کرده

۱. مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین علیهم السلام در روز غدیر.

و آنچه مأمور حفظش بودی رعایت داشتی. آنچه به تو سپرده

شده بود نگهداری کردی و آنچه را به عهده داشتی ابلاغ کردی و

چشم به راه و عده ای بودی که به تو داده شده بود. و گواهی دهم که

تعیه تو از دشمنان از باب زیونی و ناتوانی نبود و از گرفتن حق

خود بخاطر عجز و بسی تابی، خودداری نکردی و از پیکار با

غاصبین حق خود از جهت سستی کناره گیری نکردی، و چنان

نبود که بر خلاف میل خدا برای سازش با دشمن اظهار رضایت

کنی و نه اینکه سستی کنی در برابر آنچه در راه خدا به تو رسید، و

نه اینکه ناتوان باشی، و نه اینکه از مطالبه حق خود درمانده شده

باشی بخاطر ترس از غاصبین حقت، پناه به خدا که چنان بوده

باشی بلکه چون به تو ستم کردند تو آن را به حساب پروردگارت

گذاردی و کارت را به او واگذار کردی و ستم کارانت را پنددادی

ولی پند نگرفتند و مو عظمه شان کردی ولی سودشان نداد و از خدا

آنها را ترساندی و نترسیدند.

در یکی از فرازهای این زیارت، نکته قابل تأمّلی وجود دارد و آن، سخن از

عهد و پیمانی است که امیرالمؤمنین ﷺ بر آن پایبند بوده‌اند. «... وَبِمَا عَهْدَ إِلَيْكَ

عَامِلًا رَاعِيًّا ...» در لحظات آخر عمر مبارک رسول خدا ﷺ، ایشان به تمام

خانواده خود وصیّت‌هایی می‌نمودند. زمانی که نوبت به امیرالمؤمنین ﷺ رسید،

پیامبر ﷺ ایشان را به پایبندی بر صبر و تحمل مشقّات و سختی‌ها وصیّت

فرمودند<sup>(۱)</sup>. بنابر این یکی از عهد و پیمان‌های امیرالمؤمنین علیهم السلام، پیمان صبر و استقامت بوده است و ایشان علیهم السلام با تحمل تمام سختی‌ها، هرگز عهد و پیمان خود را بر رسول خدا علیهم السلام نقض نکردند.

## ۲. اولین ایمان آورند

روایات و دلایل فراوانی بر این نکته تأکید دارند که حضرت امیرالمؤمنین علیهم السلام اول کسی بودند که به خداوند متعال و آئین رسول خدا علیهم السلام ایمان آورند. حضرت امام هادی علیهم السلام در این زمینه می‌فرمایند:

«... وَأَنْتَ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللّٰهِ وَصَلَّى لَهُ وَجَاهَهُ وَأَبْدَى صَفْحَتَهُ فِي دَارِ الشَّرٍّ وَالْأَرْضِ مَسْحُونَةً ضَلَالَةً وَالشَّيْطَانُ يُعْبَدُ جَهَرًا وَأَنْتَ الْقَائِلُ: لَا تَزِيدُنِي كَثْرَةُ النَّاسِ حَوْلِي عِزَّةً وَلَا تَفْرُقُهُمْ عَنِّي وَحْشَةً وَلَوْ أَسْلَمْنِي النَّاسُ جَمِيعًا لَمْ أَكُنْ مُّضَرِّعًا ...»<sup>(۲)</sup>.

و شما نخستین کسی بودی که به خدا ایمان آوردی و برای او نماز خواندی و جهاد کردی و خود را در مرکز شرک آشکار ساختی در زمانی که زمین پرازگمراهی بود و شیطان آشکارا پرستیده می‌شد و شما بودی که می‌گفتی: زیادی مردم در گرد من به عزّت من نیفزاید و پراکنده شدنشان نیز ترسی بر من نیفزاید و اگر همه مردم نیز مراوا گذارند، به زاری درنیایم.

حضرت امام هادی علیهم السلام با توجه به احاطه علمی و معنوی خود بر این نکته

۱. بحار الانوار، جلد ۲۹ صفحه ۴۵۴.

۲. مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین علیهم السلام در روز غدیر.

تأکید دارند که حضرت امیرالمؤمنین علیهم السلام اوّل شخصی بودند که به خدا و رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آورند. این مطلب حتی در کتب معتبر اهل سنت نیز به طور فراوان یافت می‌شود که حضرت امیرالمؤمنین علیهم السلام در ایمان خود جزء سابقین و پیشگامان می‌باشند. اهل سنت از سلمان، ابوذر و عایشه نقل می‌کنند که رسول

خدا صلی الله علیه و آله و سلم دست امیرالمؤمنین علیهم السلام را در دست گرفته و فرمودند:

«إِنْ هَذَا أُولَى مِنْ آمِنَ بِي وَهَذَا أُولَى مِنْ يَصْافَحْنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ»<sup>(۱)</sup>.

همانا ایشان (حضرت امیرالمؤمنین علیهم السلام) اولین شخصی است که به

من ایمان آورد، و همچنین اولین شخصی است که روز قیامت با

من مصافحه می‌کند.

بنابراین اهل سنت به این دلیل که انکار سبقت حضرت امیرالمؤمنین علیهم السلام در ایمان ممکن نمی‌باشد، به دنبال بهانه‌های دیگری رفته و ادعا نمودند که ایمان ایشان علیهم السلام در سنین نوجوانی رخ داده است و چون ایشان علیهم السلام صغیر محسوب می‌شود ایمانشان حجت نمی‌باشد، زیرا ممکن است تحت شرایط نوجوانی به این عمل تن داده باشند.

حضرت امام هادی علیهم السلام در ادامه زیارت جدشان علیهم السلام می‌فرمایند:

«وَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى اسْتَجَابَ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَمْرَهُ بِإِظْهَارِ مَا أَوْلَاكَ لِأُمَّتِهِ إِعْلَاءً لِشَانِكَ وَإِعْلَانًا لِبُرْهَانِكَ وَدَحْضًا لِلْأَبْطَلِ وَقَطْعًا لِلْمَعَاذِيرِ فَلَمَّا أَشْفَقَ مِنْ فِتْنَةِ الْفَاسِقِينَ وَاتَّقَى فِيكَ

۱. مجمع الزوائد، جلد ۹ صفحه ۱۰۲، المعجم الكبير، جلد ۶ صفحه ۲۶۹، کنز العمال، جلد ۱۱ صفحه ۶۱۶، فیض القدیر، جلد ۴ صفحه ۴۷۲.

الْمُنَافِقِينَ أَوْحَى إِلَيْهِ رَبُّ الْعَالَمِينَ : ﴿ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلَغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعُلْ فَمَا بَلَغْتِ رِسَالَتَهُ وَاللّٰهُ يَعْصُمُكَ مِنَ النَّاسِ ﴾<sup>(۱)</sup> ، فَوَضَعَ عَلَى نَفْسِهِ أَوْزَارَ الْمُسِيرِ ، وَنَهَضَ فِي رَمْضَاءِ الْهِجِيرِ ، فَخَطَبَ وَأَسْمَعَ وَنَادَى فَأَبْلَغَ ، ثُمَّ سَأَلَهُمْ أَجْمَعَ ، فَقَالَ : هَلْ بَلَغْتُ فَقَالُوا : اللّٰهُمَّ بَلَى ، فَقَالَ : اللّٰهُمَّ اشْهِدْ ، ثُمَّ قَالَ : أَلَّا لَستُ أَوَّلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا : بَلَى . فَأَخَذَ بِيَدِكَ ، وَقَالَ : مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيُّ مَوْلَاهُ ، اللّٰهُمَّ وَالِّمَنْ وَالِّهُ ، وَعَادِمَنْ عَادَاهُ ، وَانْصُرْمَنْ نَصَرَاهُ ، وَاخْدُلْمَنْ خَذَلَهُ ، فَمَا آمَنْ بِمَا أَنْزَلَ اللّٰهُ فِيهِ عَلَى نَبِيِّهِ إِلَّا قَلِيلٌ ، وَلَا زَادَ أَكْثَرُهُمْ غَيْرَ تَخْسِيرٍ »<sup>(۲)</sup> .

و براستی خدای تعالی اجابت فرمود دعای پیامبرش صلی الله علیه و آله را درباره تو. سپس دستور داد، مقامی را که به تو داده، برای امتش آشکار نماید، تا مرتبه ات را بالا برده و برها نت را اعلان کند و مطالب باطل را از میان بردارد و عذر و بهانه ای بجای نماند و چون از آشوب و فتنه فاسقان بینناک گشت و در مورد تو از منافقان بترسید، پروردگار جهانیان به او وحی کرد: «ای پیغمبر! بر سان آنچه از پروردگارت بر تو نازل شده و اگر انجام ندهی، پیام او را نرسانده ای و خدا تو را از شر مردم حفظ می کند» پس از نزول آیه، رسول ﷺ زحمت مسیر سفر را بر خود نهاد و

۱. سوره مائدہ، آیه ۶۷.

۲. مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر.

در بیابان ریگزار و گرمای سخت قیام کرد. خطبه‌ای آغاز فرمود و  
با ندای بلند به همه امت شنوانید و حکم خدا را ابلاغ کرد و پس از

اعلان از امت سوال کرد که ای مردم! آیا من امر خدا را به شما ابلاغ  
کردم؟ همه عرض کردند: بلی یا رسول الله [صلی الله علیه و سلّم]! پس از آن  
عرض کرد: خدایا! تو گواه باش. سپس باز گفت که آیا من بر  
مؤمنان اولی از خودشان نیستم؟ مردم همه عرض کردند: بلی یا  
رسول الله [صلی الله علیه و سلّم]. رسول الله [صلی الله علیه و سلّم] آنگاه دست تو را گرفت و فرمود:  
هر که را من مولای اویم علی علیل نیز مولای اوست. بارالها!

دوست بدار هر که علی علیل را دوست دارد و دشمن بدار هر که  
علی علیل را دشمن دارد و یاری کن هر که علی علیل را یاری کند و  
خوار گردن هر که علی علیل را خوار خواهد. و باز ای امیر اهل  
ایمان! به آنچه که خدا در حق تو بر رسولش [صلی الله علیه و سلّم] نازل فرمود جز  
اندکی مردم ایمان نیاورند و اکثرشان جز زیان بر خود نیفروند.  
در ابتدای این فراز سخن از استجابت دعای رسول خدا [صلی الله علیه و سلّم] به میان آمد که  
می‌توان آن را مربوط به داستان انفاق انگشت‌تر توسط حضرت امیر المؤمنین علیل در  
حال نماز دانست. داستان به نقل از ابوذر از این قرار است:

«صلیت مع رسول الله [صلی الله علیه و سلّم] يوماً صلاة الظهر، فسائل سائل في  
المسجد فلم يعطه أحد، فرفع السائل يده إلى السماء وقال: اللهم  
أشهد أَنِّي سألت في مسجد الرسول [صلی الله علیه و سلّم] فما أعطاني أحد شيئاً،  
وعلي علیل كان راكعاً، فأومأ إليه بخنصره اليمنى وكان فيها خاتم،

فأقبل السائل حتى أخذ الخاتم بمرأى النبي ﷺ، فقال : اللهم إن أخي موسى سألك فقال : **﴿رَبِ اشْرَحْ لِي صَدْرِي﴾**<sup>(۱)</sup> إلى قوله **﴿وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي﴾**<sup>(۲)</sup> فأنزلت قرآنًا ناطقاً **﴿سَنَشِدُ عَصْدَكَ بِأَخْيَكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا﴾**<sup>(۳)</sup> اللهم وأنا محمد نبيك وصفيك فasherh لي صدری ویسر لی أمري واجعل لی وزیراً من اهلي علياً اشدد به ظهری . قال أبوذر : فوالله ما أتی رسول الله هذه الكلمة حتى نزل جبريل فقال : يا محمد إقرأ **﴿إِنَّا وَلِيُكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ﴾**<sup>(۴)</sup> . **﴿﴾**<sup>(۵)</sup> .

در یکی از روزهای نماز ظهر را با رسول خدا ﷺ به جای آورده بود. در این هنگام مسکینی درخواست کمک نمود ولی کسی به او چیزی نبخشید. پس مسکین دست خود را به آسمان بلند کرده و گفت : خدایا! تو شاهدی که من در مسجد پیامبر ﷺ درخواست کمک نمودم ولی کسی به من کمک نکرد. این در حالی بود که امیرالمؤمنین علیه السلام در حال رکوع بودند، پس با دست راست خود که انگشت‌تری در آن بود به مسکین اشاره نمود، پس آن مسکین در حالی که رسول خدا ﷺ مشاهده می‌نمودند به سوی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آمده و انگشت‌تر را برداشت. در اینجا

۱. سوره طه، آیه ۲۵.

۲. سوره طه، آیه ۳۲.

۳. سوره القصص، آیه ۳۵.

۴. سوره مائدہ، آیه ۵۵.

۵. از منابع اهل سنت : تفسیر البرازی جلد ۱۲، صفحه ۲۶.

رسول خدا ﷺ فرمودند: خدا! همانا برادرم موسی از تو در

خواست نمود: «پروردگارا سینه‌ام را گشاده کن» تا به اینجا که «و

او را در کارم شریک ساز» پس در پاسخ او نازل نمودی: «به زودی بازوان تو را به وسیله برادرت محکم (و نیرومند می‌کنیم)، و برای شما سلطه و برتری قرار می‌دهیم». پروردگارا! من محمد پیامبر و برگزیده تو می‌باشم، پس سینه من را نیز گشاده کن و کار را بر من آسان گردان و برای من وزیر و جانشینی از خانواده‌ام یعنی علی علیاً قرار ده تا به وسیله او پشت خود را محکم گردانم.

ابوذر می‌گوید: قسم به خدا هنوز کلام رسول خدا ﷺ به پایان

نرسیده بود که جبرئیل نازل شد و گفت: ای محمد [علیه السلام]!

بخوان: همانا ولی شما خدا و رسولش و....

### ۳. شجاعت و رشادتهای امیرالمؤمنین علیاً

قسمت بعدی زیارت حضرت امام هادی علیاً به گوشه‌ای از رشادت‌ها و دلاوری‌های امیرالمؤمنین علیاً در جنگ‌های مختلف اشاره می‌نماید. ظفر مسلمانان در جنگ‌های بدر، احزاب، خیبر، حنین و ... مدیون توانمندی و شجاعت حضرت امیرالمؤمنین علیاً بوده است به گونه‌ای که اگر ایشان علیاً در این جنگ‌ها حضور نداشته‌بود، سرنوشت مسلمانان به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد.

«وَلَكَ الْمَوَاقِفُ الْمَشْهُودَةُ، وَالْمَقَامَاتُ الْمَشْهُورَةُ، وَالْأَيَّامُ الْمَذْكُورَةُ،  
يَوْمَ بَدْرٍ وَيَوْمَ الْأَحْزَابِ إِذْ زَاغَتِ الْأَلْأَصْلَافُ وَلَعَتِ الْقُلُوبُ الْخَانِجَرُ  
وَنَطَّنُونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا \* هُنَالِكَ ابْتُلِي الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا

\* وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا \* وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَتْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا <sup>(١)</sup> ، وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى : ﴿وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَخْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادُهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا <sup>(٢)</sup> ، فَقَتَلَتْ عَمَرَهُمْ، وَهَرَمَتْ جَمِيعُهُمْ،﴾ وَرَدَ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعِظِيمِهِمْ لَمْ يَنالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَرِيزًا <sup>(٣)</sup> ، وَيَوْمَ أَحُدٍ <sup>(٤)</sup> إِذْ يُصْعَدُونَ وَلَا يُلْوَنُونَ عَلَى أَحَدٍ وَالرَّسُولُ يَدْعُوهُمْ فِي أَخْرَاهُمْ <sup>(٥)</sup> وَأَنَّتَ تَدُودُهُمْ الْمُشْرِكِينَ عَنِ النَّبِيِّ ذَاتِ الْأَيْمَنِ وَذَاتِ الشَّمَاءِ حَتَّى رَدَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى عَنْكُمَا خَائِفِينَ وَتَصَرِّبَكَ الْخَاذِلِينَ، وَيَوْمَ حُسْنِ عَلَى مَا نَطَقَ بِهِ التَّنْزِيلُ إِذَا عَجَبَتُكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحِبَتْ ثُمَّ وَلَيْسُ مُدْبِرِينَ \* ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ <sup>(٦)</sup> ، وَالْمُؤْمِنُونَ أَنْتَ وَمَنْ يَلِيكَ، وَعَمُكَ الْعَبَاسُ يُنَادِي الْمُنْهَزِمِينَ : يَا أَصْحَابَ سُورَةِ الْبَقَرَةِ، يَا أَهْلَ بَيْعَةِ الشَّجَرَةِ، حَتَّى اسْتَجَابَ لَهُ قَوْمٌ قَدْ كَفَيْتُهُمُ الْمَوْنَةَ، وَتَكَفَّلَتْ دُونَهُمُ الْمَعْوَةَ،

١. سورة الحزاب، آيات ١٠، ١١، ١٢، ١٣ و ١٤.

٢. سورة الحزاب، آية ٢٢.

٣. سورة الحزاب، آية ٢٥.

٤. سورة آل عمران، آية ١٥٣.

٥. سورة توبه، آية ٢٥ و ٢٦.

فَعَادُوا آيِسِينَ مِنَ الْمَشْوِيَّةِ، رَاجِينَ وَعْدَ اللَّهِ تَعَالَى بِالْتَّوْبَةِ، وَذَلِكَ قَوْلُ  
اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ: «ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَى مَنْ يَشَاءُ»<sup>(١)</sup>، وَأَنَّ

حَائِزُ دَرَجَةِ الصَّابِرِ فَائِزٌ بِعَظِيمِ الْأَجْرِ، وَيَوْمَ حَيْرَ إِذَا أَطْهَرَ اللَّهُ حَوْرَ  
الْمُنَافِقِينَ، وَقَطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، «وَلَقَدْ  
كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُوَلُونَ الْأَدْبَارَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ  
مَسْؤُولاً»<sup>(٢)</sup>. مَوْلَايَ أَنْتَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ، وَالْمَحَجَّةُ الْوَاضِحةُ،  
وَالنِّعْمَةُ السَّابِغَةُ، وَالْأَبْرَاهِيمُ الْمُنْبِرُ، فَهَنِئَا لَكَ بِمَا آتَاكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلٍ،  
وَتَبَّأْ لِشَانِيكَ ذِي الْجَهْلِ، شَهِدْتَ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَمِيعَ  
حُرُوبِهِ وَمَغَارِيَهِ تَحْمِلُ الرَّأْيَةَ أَمَامَهُ، وَتَضَرِبُ بِالسَّيْفِ قُدَّامَهُ، ثُمَّ  
لِحَرْمَكَ الْمُشْهُورِ، وَبَصِيرَتِكَ فِي الْأُمُورِ أَمْرَكَ فِي الْمَوَاطِنِ وَلَمْ يَكُنْ  
عَيْنَكَ أَمِيرًا»<sup>(٣)</sup>.

و برای شما موافق سختی بود که مردم مشاهده می کردند، و  
منزلت و جایگاهی است که مشهور بود، و برای شما روزها بی  
بود که در خاطرات مردم ماندگار شد مانند روزهای جنگ بدرو  
احزاب «و زمانی را که چشمها از شدت وحشت خیره شده و  
جانها به لب رسیده بود، و گمانهای بدی به خدا می بردید \* آنجا  
بود که مؤمنان آزمایش شدند و تکان سختی خوردند \* و (نیز به  
خاطر آوردید) زمانی را که منافقان و بیماردلان می گفتند: خدا و

١. سورة توبه، آية ٢٧.

٢. سورة احزاب، آية ١٥.

٣. مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین علیہ السلام در روز غدیر.

پیامبرش جزو عده‌های دروغین به ما نداده‌اند\* و زمانی را که گروهی از آنان گفتند: ای اهل یشرب! اینجا جای توقف شما نیست به خانه‌های خود بازگردید و گروهی از آنان از پیامبر اجازه بازگشت می‌خواستند و می‌گفتند: خانه‌های ما بی حفاظ است و در حالی که بی حفاظ نبود آنها فقط می‌خواستند از جنگ فرار کنند» با خداوند متعال فرمود: «مؤمنان وقتی لشکر احزاب را دیدند، گفتند: این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داده، و خدا و رسولش راست گفته‌اند و این موضوع جز برایمان و تسلیم آنان نیفزود» در آن هنگام بود که تو عمرو (عمرو بن عبدود) آنها را کشته و جمعیت آنها را مغلوب ساختی «و خدا کافران را با دلی پراز خشم بازگرداند بی آنکه نتیجه‌ای از کار خود گرفته باشند و خداوند (در این میدان) مؤمنان را از جنگ بی نیاز ساخت؛ و خدا قوی و شکست‌ناپذیر است. در روز احد نیز «هنگامی که از کوه بالا می‌رفتید و (جمعی در بیان پراکنده شدند و ازشدت وحشت) به عقب ماندگان نگاه نمی‌کردید و پیامبر شما را از پشت سر صدای زد» فقط شما بودید که با مشقت فراوان با برق شمشیرتان مشرکان را از آزار پیامبر ﷺ از چپ و راست دور ساختی<sup>(۱)</sup> و از آن سرور دفع آسیب دشمنان می‌نمودی تا

۱. در جنگ احد بود که به شهادت تاریخ، خلیفه اول و دوم همراه ابو عبیده جراح از جنگ



آنکه خدا کافران را با ترس و هراس از تعرّض تو و پیامبر ﷺ از  
چپ و راست دور ساختی و از آن سرور دفع آسیب دشمنان

می نمودی تا آنکه خدا کافران را با ترس و هراس از تعرّض تو و  
پیامبر ﷺ برگردانید و لشکر شکست خورده را به واسطه تو،  
خدا نصرت و پیروزی بخشید. در روز جنگ حنین نیز چنانکه  
قرآن بدان ناطق است: «در آن هنگام که فزونی جمعیّتان شما را  
مغور ساخت، ولی هیچ به دردتان نخورد و زمین با همه  
و سعتش بر شما تنگ شد. سپس پشت به دشمن کرد فرار نمودید  
\* سپس خداوند آرامش خود را بر پیامبر و بر مؤمنان نازل  
کرد». و در این آیه مقصود از کلمه مؤمنین، یا علی! توبی و یاران  
تو. و در آن حال عمومی عباس با صدای بلند در حالی که لشکر رو  
به هزیمت و فرار می گذاشت ندا می کرد: ای اصحاب سوره بقره!  
و ای اهل بیعت شجره! تا آنکه قومی ندای عباس را اجابت کردند  
و در آن هنگام یا علی! تو تنها کسی بودی که زحمت جنگ را از  
آنها برداشتی و متکفل یاری دین بدون مساعدت آنها شدی با آنکه  
لشکر، مأیوس از شواب جنگ شدند، چون به جنگ پشت کردند  
و با توبه و اนา به به عفو خدا امیدوار بودند و این است که کلام خدا  
در این واقعه که: «خداوند هر کس را بخواهد می بخشد» و تو یا

---

→ فرار نموده و به دنبال پناهگاهی می گشتند، ولی در همین لحظات سخت امیر المؤمنین علیه  
برای صیانت از دین خدا و رسولش ﷺ با شمشیر خود از چپ و راست دشمنان را  
متفرق می کردند. (حیة القلوب، جلد ۴ صفحه ۹۵۸).

علی [عَلٰی]! در آن روز دارای درجه و مقام صبر و نایل به اجر عظیم خدا بودی. و باز در روز جنگ خییر که خدا ضعف و سستی منافقین را ب مردم آشکار کرد<sup>(۱)</sup>. کافران را قطع ریشه کرد. حمد خدا را که رب تمام عوالم است. در صورتی که لشکر اسلام عهد با خدا و رسول ﷺ کرده بودند که در جهاد، به جنگ پشت نکنند و مسئول عهد خدا بودند. ای مولای من! تویی حجت بالغه خدا و طریق واضح حق و نعمت واسعة الهی و برهان روشن. پس تو را آن همه فضل و برتری که از جانب خدا عطا شده گوارا باد و محروم باد آن کس که از جهل، با تو عناد و شماتت کرد. تویی یا علی [عَلٰی]! که در جمیع جنگها با پیامبر -که درود خدا بر او و آلش باد- حاضر بودی و به اتفاق او در راه خدا جهاد می کردی و پرچم اسلام را پیشاپیش پیامبر ﷺ می بردی و در جلوی او شمشیر به فرق دشمنان می زدی و چون حزم و تدبیر و بصیرت در امور مشهور بود، پیغمبر ﷺ تو را در بسیاری از مواطن فرمانروایی کرد و هیچ کس بر تو امیر و فرمانرو نبود<sup>(۲)</sup>.

۱. در جنگ خییر بعد از اینکه جنگجویان لشکر اسلام هر کدام به صورتی چهار شکست شدند رسول اکرم ﷺ فرمودند: «لَا عَطِينَ الرَايَةَ رَجُلًا يَحْبَبُ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ وَيَحْبَبُهُ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ ...»؛ به درستی که پرچم را به دست مردی خواهم داد که خدا و رسولش را دوست دارد و همچنین خدا و رسولش او را دوست می دارند. و آن شخص امیر المؤمنین علی [عَلٰی] بودند. (بحار الأنوار، جلد ۲۱ صفحه ۱۱، و از منابع اهل سنت: صحیح بخاری، جلد ۴ صفحه ۵، صحیح مسلم، جلد ۵ صفحه ۱۹۵، مسنند احمد، جلد ۱ صفحه ۱۰۰)

۲. امیر المؤمنین علی [عَلٰی] در طول زندگی خود مأمور هیچ امیر و سلطانی نشدند و در سپاهی که غیر از رسول خدا ﷺ فرماندهی می کرد

٤. ليلة المبيت ، افتخاري دیگر

عباراتی که تا کنون گذشت، سرگذشت رشادت های حضرت امیر المؤمنین علیهم السلام

را بعد از هجرت حضرت رسول اکرم ﷺ مورد بررسی قرار داد، اما حضرت امام هادی علیه السلام در این قسمت از زیارت غدیریه به رشادت‌های حضرت امیر المؤمنین علیه السلام قبل از بعثت و برای نمونه ماجراهای ليلة المبیت اشاره می‌نمایند. همچنین گوشه‌ای از سختی‌های ایشان علیه السلام پس از رحلت خاتم الانبیاء ﷺ مورد گفتوگو قرار می‌گیرد.

فَأَشْبَهَتْ مُحْنِتَكَ بِهِمَا مِحْنَنَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عِنْدَ الْوُحْدَةِ وَعِدَمِ  
الْأَنْصَارِ، وَأَشْبَهَتْ فِي الْتَّيَّاتِ عَلَى الْفِرَاشِ الدَّبِيعَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ  
أَجَبَتْ كَمَا أَجَابَ، وَأَطْعَتْ كَمَا أَطَاعَ إِسْمَاعِيلُ صَابِرًا مُحْتَسِبًا إِذْ قَالَ لَهُ  
يَا مُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَانِ أَنِّي أَدْبُحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ اعْلَمُ  
مَا تُؤْمِنُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ، وَكَذَلِكَ أَنْتَ لَئَنَّا أَبَاكَ  
النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَمْرَكَ أَنْ تَضَعَّفَ فِي مَرْقَدِهِ وَاقِيًّا لَهُ بِنَفْسِكَ  
أَسْرَعْتَ إِلَى إِجَابَتِهِ مُطِيعًا، وَلِنَفْسِكَ عَلَى الْقَتْلِ مُوَطِّنًا، فَشَكَرَ اللَّهُ  
تَعَالَى طَاعَتَكَ، وَأَبَانَ عَنْ جَمِيلٍ فِيْكَ بِقَوْلِهِ جَلَّ ذِكْرُهُ: وَمِنَ النَّاسِ مَنْ  
يُشَرِّي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاهُ اللَّهِ<sup>(١)</sup>، ثُمَّ مُحْنِتَكَ يَوْمَ صَفِيفٍ وَقَدْ رُفِعَتِ  
الْمَصَاحِفُ حِيلَةً وَمَكْرُأً فَاعْرَضْ الشَّكُّ، وَاعْزِفْ الْحَقُّ، وَابْتَعِ الظَّنُّ،

→ هرگز حضور نداشتند. در حالی که ابوبکر و عمر تا پایان عمر خود هرگاه اسماء را می دیدند خطاب به او می گفتند: السلام علیک يا امیر. زیرا رسول خدا ﷺ فرموده بودند کسی حق ندارد از سپاه اسماءه تخلف و سریعچی نماید.

أَشْبَهَتْ مِخْنَةً هَارُونَ إِذَا أَمْرَهُ مُوسَى عَلٰى قَوْمٍ فَتَنَّرَقُوا عَنْهُ، وَهَارُونُ يُنَادِي بِهِمْ وَيَقُولُ : يَا قَوْمٍ إِنَّمَا فُتِّنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمٰنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي . قَالُوا : لَنْ نَبْرَحَ عَيْنِهِ عَاكِفِينَ حَتّٰى يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَى . وَكَذَلِكَ أَنْتَ لَمَّا رُفِعْتِ الْمَصَاحِفُ قُلْتَ : يَا قَوْمٍ إِنَّمَا فُتِّنْتُمْ بِهَا وَخُدِّعْتُمْ، فَعَصَمُوكَ وَخَالَفُوا عَلٰيْكَ وَاشْتَدَعُوا نَصْبُ الْحَكَمَيْنِ، فَأَبَيَتْ عَلٰيْهِمْ وَتَبَرَّأَتْ إِلَى اللّٰهِ مِنْ فِعْلِهِمْ وَفَوَّضْتَهُ إِلَيْهِمْ، فَلَمَّا أَسْفَرَ الْحَقُّ، وَسَفَهَ الْمُنْكَرُ، وَاعْتَرَفُوا بِالزَّلَالِ وَالْجُورِ عَنِ الْقَصِيدِ اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِهِ، وَأَلْزَمُوكَ عَلٰى سَفَهِ التَّحْكِيمِ الَّذِي أَيَّيْتَهُ وَأَحَبُّوهُ وَحَظَرْتَهُ وَأَبَخُورَا ذَنَبَهُمُ الَّذِي افْتَرَفُوهُ وَأَنْتَ عَلٰى نَهْجِ بَصِيرَةٍ وَهُدًى، وَهُمْ عَلٰى سُنَّ ضَلَالٍ وَعَمَى، فَمَا زَالُوا عَلٰى النَّفَاقِ مُصْرِرِينَ، وَفِي الْغَيِّ مُتَرَدِّدِينَ حَتّٰى أَذَاقَهُمُ اللّٰهُ وَبَالَّا أَمْرِهِمْ، فَأَمَاتَ سِيِّفِكَ مَنْ عَانَدَكَ فَشَقَيَ وَهَوَى، وَأَخْيَا بِحُجَّتِكَ مَنْ سَعَدَ فَهُدِيَ، صَلَواتُ اللّٰهِ عَلٰيْكَ غَادِيَةً وَرَائِحَةً وَعَاكِفَةً وَذَاهِيَةً، فَمَا يُحِيطُ الْمَادُحُ وَصَفَكَ، وَلَا يُحِيطُ الطَّاعِنُ فَضْلَكَ، أَنْتَ أَحْسَنُ الْخَلْقِ عِبَادَةً، وَأَحْلَصُهُمْ رَهَادَةً، وَأَذْبَهُمْ عَنِ الدِّينِ، أَقْمَتْ حُدُودَ اللّٰهِ بِجُهْدِكَ، وَفَلَّتْ عَسَاكِرُ الْمَارِقِينَ سِيِّفِكَ » (١) .

پس حال گرفتاری تو به آن دو نفر و به محن و آلام پیامبران در هنگامی که آنها تنها و بی یار و یاور بودند شبيه بود. و باز حال شما در شبيه که به جای پیامبر ﷺ به بستر ايشان ﷺ خفتی شبيه

١. مفاتیح الجنان، زیارت امیر المؤمنین علیه السلام در روز غدیر.

به حال اسماعیل ذبیح الله است که چون پدرش علیلله به او گفت ای  
پسر عزیز من! در خواب مأمور به ذبح تو گردیده‌ام؛ رأی تو در  
این کار چیست؟ در پاسخ گفت: ای پدر! هر چه مأموری از  
جانب خدا انجام ده که مرا انشاء الله از صابران خواهی یافت.  
همچنین شما را چون رسول خدا علیه السلام مأمور کرد که در بستر او  
بخوابی. رسول خدا علیه السلام را به زودی اجابت کردی و خود را به  
جای رسول علیه السلام برای کشتن آماده ساختی. خدا هم طاعت را  
پاداش داد و کار نیکوی شما را برأیت آشکار کرد به وسیله این  
قولش که فرمود: بعضی از مردم جان خود را به خاطر خشنودی  
خدا می‌فروشند<sup>(۱)</sup>. باز رنج و محنت شما در جنگ صفین بسیار  
بود، در حالی که به مکر و حیله معاویه قرآنها را بر سر نیزه بلند  
کردند و مردم را به شک و شبیه انداختند و آئین حق را به بازی  
گرفتند و گمان خود را پیروی کردند. آن هنگام غصه شما شبیه به  
غضنه هارون برادر موسی بود که او را برأیت امیر گردانید و مردم  
از گردش متفرق شدند و هر چه هارون آنان راندا کرد و گفت:  
شما به این گوساله سامری امتحان می‌شوید، پرودگار شما خدای  
رحمان است. پیرو من باشید و امر مرا اطاعت کنید قوم موسی به سوی  
هارون گفتند: ما به پرسش گوساله ثابت مانیم تا موسی به سوی

۱. البته سمره بن جنديب به دستور معاویه و با گرفتن رشوه سیصد هزار درهمی شان نزول آیه را در مورد این ملجم مرادی دانست. تا شاید بدین وسیله بتوانند یکی دیگر از فضایل امیر المؤمنین علیهم السلام را کمترین گلوه دهنند. (شرح نهج البلاغه این ابی الحدید جلد ۴ صفحه ۷۳)

ما بازگردد. همچنین بود حال شما هنگامی که قرآنها را بالای نیزه  
کردند و تو فرمودی که ای مردم! این فریب و خدعا و امتحان  
شماست، آنان با شما راه مخالفت پیموده و عصیان امرتان کردند و  
از شما تقاضای نصب دو حاکم کردند. پس شما از نصب حکمین  
با کردی و از فعل زشت آنان به سوی خدا بیزاری جستی و کار را  
به ناچار به آنها واگذاری آنگاه که حق آشکار شد و سفاهت و  
عمل زشتستان معلوم آمد و به خطای خود و جور و خلاف خود  
اعتراف کردند، راه اختلاف کلمه و نفاق پیمودند و حکم  
سفیهانه‌ای را که آنها تقاضا کردند و شما ابا کردید و آنها دوست  
داشتند و شما خطأ شمردید. باز آنها گناهی که خود مرتکب شدند  
رامباح و روا شمردند و شما همیشه با بصیرت در طریق هدایت  
بودید و آنها بر طریق گمراهی و نابینایی رفتند و در راه ضلالت  
تردد می‌کردند تا آنکه خدا و بال و کیفر کار زشتستان را به آنها  
چشانید و آنان با شمشیر توبه قعر جهنم در افتادند. و  
سعادتمدان اصحاب، به حجت و ارشاد شما هدایت یافته و زنده  
جاوید گردیدند پس درود خدا بر شما در تمام آغاز و انجام  
حرکات و سکناتتان ای که هیچ مدرج کننده‌ای به اوصاف کمالیهات  
احاطه نخواهد یافت و طاعنان و دشمنانتان باز به مقام فضل و  
کمال شما محیط نتوانند گشت. شما از نظر عبادت و بندگی خدا  
بهترین خلق و از جهت زهد و تقوا خالص‌ترین بندگان و از همه

کس در رفع دشمنان دین سرسخت تر بودید شمایی که با مجاهدۀ بسیار، حدود و ارکان دین اسلام را استوار کردی و لشکرهای

گردنکشان را به شمشیرت شکست دادید.

دقت در مفاهیم بخشی از فراز ذکر شده، انسان را به مقام والای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آشنا می‌کند. در بخشی از فرازهای گذشته آمده بود که هیچ مدح کننده‌ای به اوصاف کمالیهات احاطه نخواهد یافت در توضیح این فراز بیان می‌داریم: دعای جوشن کبیر در بردارنده هزار اسم از اسمای حسنای الهی است و به این دلیل که امیرالمؤمنین علیه السلام مظهر تامه اسماء الهی می‌باشند، می‌توان گفت

هر هزار اسم از صفات امیرالمؤمنین علیهم السلام نیز محسوب می‌شود - که اگر برای بررسی هر اسم ذکر شده در این دعا یک شب وقت نیاز باشد، حدود هزار شب (آن هم در حد فهم و استعدا خودمان) زمان نیاز داریم . . عبارت دیگری این‌گونه است: «أَنْتَ أَحْسَنُ الْخَلْقِ عِبَادَةً» نکته قابل دقّت در این فراز، مقام والای حضرت امیرالمؤمنین علیهم السلام زند خداوند متعال است که در میان تمام خلائق (انسان‌ها، فرشتگار)، از همه بهتر به عبادت خداوند متعال می‌پردازد.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به دلیل کسب مقامات معنوی حتی از فرشتگان و ملائکه‌ای که فقط برای عبادت خلق شده‌اند برتر می‌باشند. ملائکه‌ای که در وصف آنها آمده است:

«... منهم سجود لا يركعون، وركوع لا ينتصرون، وصافون لا يتزايلون

و مسیحون لا سامون ... »<sup>(۱)</sup>.

١. نهج البلاغه، خطبه ١ صفحه ٥٤

برخی از فرشتگان، سجده کنایی هستند که رکوعی ندارند. برخی دیگر برای رکوع خمیده‌اند و قامت برای قیام راست نمی‌کنند. گروهی از آنان صف کشیدگانی هستند که هرگز هیچ دگرگونی در وضع خود نمی‌دهند. تسبیح گویانی هستند که خستگی و فرسودگی راهی به آنان ندارد.

#### ٥. لعن و نفرین شایسته غاصبین و منکرین

حضرت امام هادی علیه السلام در فرازهای پایانی این زیارت شریف، به لعن و نفرین دشمنان اهل بیت علیهم السلام مخصوصاً جدشان امیرالمؤمنین علیه السلام می‌پردازند. اگر کسی به شیعه ایراد بگیرد که چرا به لعن و نفرین دشمنان می‌پردازید؟ در پاسخ خواهیم گفت: لعن و نفرین همان عملی است که اهل بیت علیهم السلام ما را بر انجام آن ترغیب می‌نمودند و حتی خود نیز دشمنان را مورد لعن و نفرین قرار می‌دادند. به غیر از این زیارت، در زیارت عاشورا نیز که زیارتی قدسی محسوب می‌شود با لعن و نفرین‌های فراوانی مواجه می‌شویم.

آیا کسانی که در روزهای غدیر ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیهم السلام را به او تبریک گفته و ندای «بُخْ بُخْ ...»<sup>(۱)</sup> سر داده ولی در عمل به حرمت شکنی مقام عصمت مشغول شدند مستحق لعن و نفرین نیستند؟

«اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةِ أَنْبِيائِكَ وَأَوْصِيَاءِ أَنْبِيائِكَ بِجَمِيعِ لَعْنَاتِكَ وَأَصْلَاهُمْ حَرَّ نَارَكَ وَالْعَنْ مَنْ غَصَبَ وَلَيَكَ حَمَّةٌ وَأَنْكَرَ عَهْدَهُ وَجَحَدَهُ بَعْدَ الْيَقِينِ وَالْأَفْرَارِ بِالْوَلَايَةِ لَهُ يَوْمًا أَكْمَلْتَ لَهُ الدِّينَ اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

۱. از منابع اهل سنت: تاریخ بغداد، جلد ۸ صفحه ۲۹۰.

وَمَنْ ظَاهَمَ وَأَشْيَاعُهُمْ وَأَنْصَارَهُمْ اللَّهُمَّ الْعَنْ ظَالِمِي الْحُسَينِ وَقَاتِلِيهِ  
وَالْمُتَابِعِينَ عَدُوَّهُ وَنَاصِرِيهِ وَالرَّاضِينَ يَقْتَلُهُ وَخَذِلِيهِ لَعْنَا وَبِيَالاً اللَّهُمَّ  
الْعَنْ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ آلَ مُحَمَّدٍ وَمَا نَعِيهِمْ حُقُوقُهُمْ اللَّهُمَّ حُصْنَ أَوَّلَ ظَالِمٍ  
وَغَاصِبٍ لَّلِي مُحَمَّدٍ بِاللَّعْنِ وَكُلَّ مُسْتَنِّ إِيمَانَ سَنَّ إِلَى يَوْمِ الْقِيمَةِ اللَّهُمَّ  
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلَى عَلِيٍّ سَيِّدِ الْوَصِيَّينَ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ  
وَاجْعَلْنَا بِهِمْ مُتَمَسِّكِينَ وَبِوْلَايَتِهِمْ مِنَ الْفَائِزِينَ الْآمِنِينَ الَّذِينَ لَا خَوْفُ  
عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزُنُونَ»<sup>(۱)</sup>.

خدايا! لعنت کن کشنديگان پیمبران و اوچياء پیمبران را به همه  
لعتهايت و جايšان ده در آتش سوزانت و لعنت کن هر که حق  
ولی تو راغصب کرد و پیمانش را انکار کرد و پس از یقین و اقرار  
به ولايتش در روزی که دين را برایش کامل کرده منکر او گردید.  
خدايا! لعنت کن کشنديگان امير المؤمنان علیه السلام و هر که به ايشان ستم  
کرده و پیروانشان و یارانشان را. خدايا! لعنت کن ستمگران  
حضرت امام حسین علیه السلام و کشنديگان و پیروان و یاوران دشمنش  
را و هم آنانکه راضی به کشتتش بودند و دست از یاریش کشیدند  
لعتی همیشگی. خدايا! لعنت کن نحسین ستمکاری را که به آل  
محمد علیهم السلام ستم کرد و از حقوقشان ممانعت کرد. خدايا!  
مخصوص گردان نحسین ستمکار و غاصب آل محمد علیهم السلام را به  
لعنت و هم چنین هر پیروی را از آنچه بدعت گذارد تا روز

۱. مفاتیح الجنان، زیارت امیر المؤمنین علیه السلام در روز غدیر.

### نکات مهم و اساسی

قیامت. خدا! درود فرست بر محمد خاتم پیغمبران و بر علی  
سرور او صیاء و آل پاکشان عَلَيْهِ السَّلَامُ و قرارده ما را از متهمکین ایشان  
و از کامیابان به ولایتشان و ایمنانی که ترسی بر آنها نیست و بیم و  
اندوهی ندارند.

۱. چنانچه ملاحظه فرمودید سرتاسر این زیارت، دارای مفاهیم عالی و  
خالص شیعه می‌باشد. اما آنچه انسان را به تعجب و ادار می‌کند این است که  
اتفاقات عصر حضرت امام هادی عَلَيْهِ السَّلَامُ به صورتی رقم می‌خورد که امام عَلَيْهِ السَّلَامُ مجبور  
شوند در حضور کسانی که ایشان را به تبعیدگاه و زندان می‌برند (سپاهیان معتصم  
یا متوکل) هنگام عبور از قبر جدشان حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ توقف نموده و به  
بیان این زیارت شریف بپردازند.

۲. چون در آستانه ماه محرم و عاشورای حسینی قرار داریم باید در چگونگی  
عزادرای‌ها دقّت و بررسی بیشتری صورت گیرد، زیرا آنچه که موجب شد  
واقعه‌ای مانند غدیر را انکار نمایند، عمل غیر صحیح بعضی از شیعیان بود. لذا  
لازم است به گونه‌ای عمل شود که صحنه عاشورا نیز مانند واقعه غدیر از صفحه  
روزگار محو نشود.

«وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ»

## خودآزمایی

- ① حدیث لوح، حضرت امام هادی علیه السلام را چگونه معرفی می‌کند؟
- ② آیا خداوند متعال به یاری و نصرت دیگران محتاج است؟
- ③ مكتب انحرافی حلول و تناشو دارای چه عقیده‌ای است؟
- ④ طرفداران و فقهای وابسته به حکومت چگونه با حضرت امام هادی علیه السلام رفتار می‌کردند؟
- ⑤ برخورد خلفای عباسی با ذریعه رسول خدا علیه السلام چگونه بود؟
- ⑥ آیا شیعیان در زمان حضرت امام هادی علیه السلام در عقیده متحد بودند؟
- ⑦ وظیفه حضرت امام هادی علیه السلام در شرایط آن روز چه بود؟ مثال بزنید.
- ⑧ عهد و پیمانی که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بر آن پایبند بودند چه بود؟
- ⑨ آیا سابق بودن حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در ایمان قابل انکار است؟  
اهل سنت در این مورد چه می‌گویند؟
- ⑩ رسول خدا علیه السلام در مورد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام چه درخواستی از خداوند متعال داشتند؟
- ⑪ زیارت غدیریه جنگ احد و خیر را چگونه معرفی می‌نماید؟
- ⑫ عبارت «أَحْسَنُ الْخَلْقِ عِبَادَةً» دارای چه نکته‌ای است؟

با دقت در اوضاع و احوال آن روزگار  
که از سوی شیعیان و دشمنان آن‌ها پدید  
آمده بود به مسئولیت مهم و سخت حضرت  
امام هادی علیه السلام رهنمون می‌شویم. ایشان  
علیه السلام به عنوان امین و حی الہی و حاکم دین  
مبین اسلام، مسئولیت صیانت و نگهبانی از  
دینی را به عهده داشتند که با تحمل  
سختی‌های فراوان و مشکلات طاقت فرسا  
به زمان ایشان علیه السلام رسیده بود. با توجه به  
این اوضاع حساس، حضرت امام هادی علیه السلام  
تمام توان خویش را در راه ختنی سازی  
اقدامات دشمنان و شیعه نماها به کار بستند و  
برای رسیدن به این هدف، شروع به  
فعالیت‌های علمی و اعتقادی نمودند.

(صفحه ۱۲ از همین جزو)

- محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت :  
ابتدای خیابان امام، جنب قائمیه، فروشگاه آواتی مهر.
- شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۸ می‌باشد .
- در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید .

### محل برگزاری جلسات :

کاشان : حسینیه مرحوم آیت الله یثربی علیه السلام  
تلفن : ۴۴۴۹۹۳۳ - ۴۴۴۴۳۴۳ نمبر : ۴۴۴۵۲۷۷  
پست الکترونیک : info@yasrebi.ir  
www.yasrebi.ir

به سوی معرفت ۹۶

۲